

دفاع از بورژوازی در پوشش مارکسیسم ، نگاهی به نظرات رفرمیستی مرتضی محیط

کمونیستها عار دارند که مقاصد و نظرات خویش را پنهان سازند. آنها آشکارا اعلام میکنند که تنها از طریق واژگون ساختن همه نظام اجتماعی موجود از راه جبر ، وصول به هدفشان میسر است. بگذار طبقات حاکم در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند پرولتاریا در این میان چیزی جز زنجیر خود را از دست نمیدهند ولی جهانی را بدست می آورند

پرولتاریای سراسر ، جهان متحد شوید

مانیفست حزب کمونیست

کارل مارکس- فردریش انگلس

بنفشه کمالی

آقای مرتضی محیط در میان طرفداران سر سخت اصلاح طلبان بطورخاص ، شیفته وارو خستگی ناپذیر در دفاع از اصلاح طلبان فعال هستند . ایشان همچنین از مدافعان سر سخت میر حسین موسوی نخست وزیر دولت شکنجه و اعدام حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی در دهه سیاه ۶۰ میباشند ، دهه ای که مشخصه اصلی آن سر کوب ، زندان ، شکنجه ، اعدام مخالفان ، جنگ و خانه خرابی کارگران و زحمتکشان ، کشتار خلقهای مبارز و تحت ستم و هزاران هزار کارگر و زحمتکش ، کمونیست و انقلابی و آزادیخواه بود . مرتضی محیط در دفاع از این جناح بورژوازی و جریان ارتجاعی سبز و دفاع از اصلاح طلبی گوی سبقت را از تمام همفکران رفرمیست خود ربوده است

پس از روی کار آمدن دولت خاتمی و شخص او به عنوان نماینده و سمبل اصلاح طلبی در ایران در سالهای ۷۶ تا ۱۳۸۴ عناصر به اصطلاح چپ ها ی طرفدار اصلاح طلبان به اشاعه تو هماتی همچون وجود " بورژوازی ملی و دموکرات " دست زدند و سمبل این " دموکراتهای نو پا و اسلامی را " اصلاح طلبان قلمداد کردند و به دفاع از اصلاح طلبی پرداختند و آنرا تنها راه نجات مردم ایران از دام جناح دیگر تلقی نمودند، غافل از اینکه اساس اصلاح طلبی چیزی بیش از یک شکل ظاهری از " دموکرات " بودن جناحی از بورژوازی اما قدری بزرگ کرده تر از جناح در قدرت (سیاه- بنیاد گرایان) دیگر نبوده و نیست و اصلاح طلبان نیز در نهایت و بطور ماهوی و اساسی با جناح بنیاد گرایان ارتجاعی (احمدی نژاد و شر کاء) فرقی ندارند

در این میان تعدادی از شیفتگان اصلاح طلبان و اصلاح طلبی بیشر مانه به دفاع خود از این جناح بورژوازی ، تحت نام مارکسیسم مشغول بوده و میباشند و با این ادعا که جامعه هنوز وظایف " دموکراتیک " حل نشده دارد و اینکه مر حله انقلاب " دموکراتیک " است و باید از " دموکراتها و بورژوازی ملی " که به زعم آنان جناح اصلاح طلبان از حکومت رانده شده هستند حمایت کرد ، آنها سعی کرده و میکنند که رفرمیسم بغایت پوسیده خود را به جای مارکسیسم جا بزنند

آقای مرتضی محیط با در اختیار داشتن امکانات وسیع تلویزیونی که طبعیاً به لطف و عنایت بورژوازی امیر یالیزیستی به دست آورده است و مرتب ادعای طرفداری از مارکس را در بوق و کرنا میدمد و گوش شنوندگان را با ادعاهای خود کر کرده است نیز یکی از این سینه چاکان و شیفتگان اصلاح طلبان و جریان ارتجاعی - بورژوایی سبز میر حسین موسوی و کروی (جناح از قدرت رانده شده) میباشد

نا گفته نماند که در دفاع از اصلاح طلبان و اصلاح طلبی احزاب و افراد بسیاری (حزب توده ، فدائیان اکثریت ، جمهوری خواهان لائیک و غیره لائیک ، طرفداران کمپین یک میلیون امضاء ، لیبرالها ، هنرپیشه ها ، فیلم سازان و خوانندگان قدیمی و جدید تبعیدی و غیر تبعیدی در خارج و داخل و ووو) این سینه چاکان بورژوازی ، بیشر مانه چشم بر تمامی جنایات این جماعت (اصلاح طلبان) بسته و فراموش کرده اند که زمانیکه جناح اصلاح طلبان (خاتمی) و موسوی در اریکه قدرت بودند به چه جنایتهای بسیاری دست زدند

اینان عامدانه و ریاکارانه می‌خواهند به کارگران و زحمتکشان این باور را حقنه کنند که راه نجات از دوزخ جمهوری اسلامی، نه سرنگونی جمهوری اسلامی و نابودی سیستم سرمایه داری بطور کامل و انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر و از بین بردن تفاوتها و نابرابری طبقاتی میباشد، بلکه راه حل را رفتن " جناح بد " بورژوازی و بر سر کار آمدن " جناح بهتر " میدانند

در میان خیل شیفتگان اصلاح طلبی و " بورژوازی ملی و دموکرات "، شیفته تر از همه آقای مرتضی محیط است که با جان و دل و با امکانات بسیاری که دارد تمامی کوشش خود را صرف این " امر خطیر "، یعنی نجات " بورژوازی ملی و دموکرات ایران " کرده و میکند. غافل از اینکه " بورژوازی ملی و دموکراتیک " توهم و فریبی بیش نیست و در عصر جهانی شدن سرمایه و امپریالیسم از " بورژوازی ملی " و " دموکراتیک " صحبتی نمیتوان کرد و تمام دولتهای موجود چه بخشهایی که بر سر قدرت هستند و چه جناحی از بورژوازی که از حکومت رانده شده اند در هر کجای دنیا که باشند با هزاران رشته و پیوند بند نافشان به سرمایه جهانی بسته شده و منافعشان به یکدیگر گره خورده است و هیچ دولت و جناح بورژوازی، حتی خارج از دولت حاکم بورژوایی در این عصر نمیتواند جدا از سرمایه جهانی و امپریالیستها عملکرد مستقلی داشته باشد و در عمل و نظر ضد کارگر و ارتجاعی است و بدنبال کسب سود بیشتر و ربودن ارزش اضافه کار کارگران و در انقیاد نگه داشتن این طبقه میباشد

تنها طبقه کارگر است که میتواند و قادر است که با شرکت خود در مبارزه طبقاتی و با داشتن تشکیلات سیاسی و طبقاتی خود (حزب کمونیست) و با انجام انقلاب سوسیالیستی و در نهایت تحقق جامعه کمونیستی به نابودی سیستم سرمایه داری مبادرت ورزد. او تنها طبقه دموکرات و انقلابی واقعی است. تنها او خواهد توانست که دست طبقه سرمایه دار را از جان و هستی خود و سایر زحمتکشان کوتاه کند، نه هیچ کدام از جناحهای رنگارنگ (سیاه و سبز و نارنجی و زرد) بورژوازی

اما بر گردیم سر نظرات آقای مرتضی محیط، چیزی که ایشان را از بقیه مریدان اصلاح طلبی و تز ارتجاعی " بورژوازی ملی و دموکراتیک " جدا میکند این است که ایشان مصرانه بر این ایده پای میفشارند که مارکس نیز با او هم عقیده میباشد و سو گند میخورد که نظراتش بر اساس تزاها و ایده های مارکس (۱۶۰ سال پیش) میباشد و باید همانطور که مارکس در قرن نوزدهم و در مقطعی از این قرن نوشته اند، کمونیستها و چپ ها هم الان به کمک و دفاع از " دموکراتها - اصلاح طلبان " بروند و انقلاب " بورژوا دموکراتیک " را اول به سر انجام برسانند و بعدا نوبت تحولات دیگر خواهد شد

به بیان دیگر و به زعم آقای محیط کمونیستها و چپها اول باید به " بورژوازی خودی و دموکرات و ملی مذهبی " و سر کوبگر و هار و استثمار کننده کمک کنند تا که وظایف " انقلاب بورژوا دموکراتیک " را به سر انجام برسانند

به نظر ایشان جریان ارتجاعی و بورژوایی سبز، جریانی " دموکراتیک - ملی " میباشد که برای جامعه ایران در این مقطع بهترین راه حل موجود میباشد. کمونیستها و چپ ها باید کارگران را به زیر پرچم دشمنان طبقاتی خود یعنی بورژوازی (اصلاح طلبان) به مسلخ گاه سرمایه هدایت کنند، تا که هنوز ۳۲ سال دیگر استثمار شده و در زیر یوغ ارتجاع اسلامی سر مایه باقی بمانند اما اینبار در جلد سرمایه دار اصلاح طلب، هستی شان و نیروی کارشان به زنجیر کشیده و غارت شوند* (دوران سیاه نخست وزیری میر حسین موسوی - نوشته آقای محمد قراگوزلو)

آقای محیط آگاهانه به توهم در میان کارگران و زحمتکشان و فریب جوانان و مردم تحت ستم دیکتاتوری سرمایه و مذهب دامن زده و بدتر از همه اینکه به نام مارکس و مارکسیسم به این توهم و فریب دست میزند. از مارکس نقل قول میآورد و از نوشته های این اندیشمند و انقلابی بزرگ راستین و نقاد واقعی سیستم سرمایه داری به نفع خود و " بورژوازی ملی - دموکراتیک " من در آوردی اش سوء استفاده میکند و به نیروهای کمونیست، چپ، و سوسیالیست میتازد و آنها را به سرسختی در اشتباهات خود و نفهمی متهم میکند. آقای مرتضی محیط در خدمت و در صف بورژوازی بغایت ارتجاعی و دشمن طبقه کارگر ایران قرار گرفته است البته با تحریف مارکسیسم و در پوشش مارکسیسم

قابل توجه است که زمانی که مارکس در نوشته های خود از انقلابی و مترقی بودن بورژوازی صحبت میکرد، این بدان معنا بود و هست که بورژوازی در آن مرحله در قرن ۱۹ در دوران طلوع و شکوفایی خود بوده و عصر انقلابات بورژوایی در حال به وقوع پیوستن بود و طبقه بورژوا و سیستم تازه پا گرفته سرمایه داری به خاطر خصلت ضد فئودالی و ضد سلطنتی خود، از نظر تاریخی، انقلابی و پیشرو بوده و در مقابل سیستم فئودالی و سلطنتی قرار میگرفته و به همین دلیل مارکس به همکاری با دموکراتها اشاره کرده است. اما با سر کوب کمون پاریس این اولین حکومت کارگری در سال ۱۸۷۱ به دست بورژوازی این طبقه (بورژوازی) کمترین ظرفیت مترقی و دموکراتیکی را هم که داشت از دست داد و به تدریج و در ادامه بطور کامل به طبقه و سیستمی ضد انقلابی و ارتجاعی تبدیل شد و سد راه نیروهای مولده جدید و طبقه کارگر گردید و از درون، گورکن خود

(طبقه کارگر) را بوجود آورد و وظیفه تاریخی اش الان به پایان رسیده است و باید به زباله دانی تاریخ ریخته شود . تاریخ را نمیشود به دلخواه به عقب برد و ارتجاع را به جای انقلاب به خورد کارگران داد

از نظر تاریخی سیستم سرمایه داری سالها است که مسیر زوال و گندیدگی را می پیماید و از نظر اقتصادی ور شکسته ، از نظر سیاسی دیکتاتوری هار و عنان گسیخته و سر کوبگر و ارتجاعی و از نظر اجتماعی با از خود بیگانه کردن جامعه در همه ابعاد اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ، سیستمی است که در آن قا نون جنگل حاکم میباشد و قوانین آن جنگ همه بر علیه همه می باشد که در تمامی تاروپد جامعه ریشه دوانده و بر جامعه حکمفرماست

در این عصرکه عصر گندیدگی و ارتجاعی بودن سرمایه داری از نظر تاریخی میباشد تنها راه نجات بشریت از جهنم سرمایه داری ، وقوع انقلاب سوسیالیستی به رهبری طبقه کارگر و استقرار حکومت کارگری (دیکتاتوری پرولتاریا) میباشد.

تمام احزاب و افرادی که غیر از این ادعا کنند و هنوز برای طبقه سرمایه دار و سیستم سرمایه داری رسالت متری و آزادیخواهانه و دموکراتیک قائل باشند ، فریبکارانی بیش نیستند و اعمال و نظرات آنان در نهایت به نفع طبقه استثمارگر و بر علیه طبقه استثمار شده میباشد

در قرون هیجده و نوزده طبیعتا بورژوازی از نظر تاریخی در مقابل فنودا لیسم طبقه ای انقلابی بوده و نقش و رسالت انقلابی در مقابل فنودالیسم و سلطنت داشته است در صورتیکه در دوران امپریالیسم که بورژوازی به مرحله زوال و گندیدگی خود رسیده و سیستمی سر تا پا عقب گرا و ارتجاعی و گندیده در مقابل سیستم و نظام سوسیالیستی است از انقلابات " بورژوازی دموکراتیک و ملی " و همکاری و شرکت مارکسیستها و دفاع آنان از این نوع " انقلابات " هم طبیعتا و مطلقا صحبتی نمیتواند در میان باشد.

دفاع و همکاری با بورژوازی به این اسم که "بورژوازی دموکراتیک و ملی " وجود دارد از طرف کسانی که ادعای مارکسیست بودن دارند چیزی بجز اپورتونیزم و رفرمیسم در پوشش مارکسیسم نیست و باید به شدت افشاء و طرد گردد

مرتضی محیط یک رفرمیست ارتجاعی و یک ایده نو لوگ بورژوایی است که با سوء استفاده از نظرات مارکس و با زرنگی تمام و آگاهانه از بورژوازی تا مغز استخوان پوسیده و ارتجاعی شده واز جریان سبز و اصلاح طلب ضد کارگری و ضد دموکراتیک در پوشش مارکسیسم حمایت و دفاع میکند و به تبلیغ برای این جریان مشغول میباشد .

اینگونه افراد که آگاهانه در کنار و در دفاع از بورژوازی به اسم مارکسیست مشغول فریب کارگران میشوند و باید بطور جدی افشاء شده تا که طبقه کارگر را بیش از این به انحراف و کجراهی نکشانند

اقتصاد بازاری موسوی *

چشم زدی به عمل کرد و مواضع اقتصادی موسوی ، محمد قراگوزلو

نقل قول از مقاله آقای قراگوزلو : " مخالفت ایشان (موسوی) با رقیب، به سود کارگران و زحمت کشان نبود. و اکنون نیز نیست. ایشان رقبای نظامی خود را فاقد درایت و صلاحیت اقتصادی برای انباشت سرمایه می دانستند و می کوشیدند - و حالا نفس زنان می کوشند - مسیر این انباشت را به سوی دوستان کارگزارانی خود تغییر جهت دهند. دعوای بالایی ها بر سر همین لحاف بید زده ی ملا نصرالدین بود. این دعوا تمام شده است! "

.banafshekamali@gmail.com

behroozs21@gmail.com

newoktober.com

1۰-4-2011